

گوش جان

با محبوبه طاهری

آموزگار کودکان ناشنوا



محمدحسین دیزجی

از تعلیم‌وتربیت در دوره‌ی پیش‌دبستانی تا آموزش در دوره‌ی متوسطه را تجربه کرده است. دانش‌آموزان مدرسه‌های عادی تا بچه‌های ناشنوا، کم‌بینا و معلول جسمی حرکتی را آموزش داده است. هم هنر می‌داند و هم هنرمندانه استعدادها را شاگردانش را کشف کرده و آنان را برای لذت‌بردن از زندگی و پیشرفت در مسیر توانایی‌ها تعلیم می‌دهد. آموزگار نمونه‌ی استان و مدرس کشوری زبان اشاره است. کاردانی تربیت‌معلم ویژه‌ی ناشنوایان و کارشناسی آموزش ابتدایی دارد و در حکم او ۲۴ سال سابقه و تجربه منظور شده است. گفت‌وگو با محبوبه طاهری، آموزگار آموزشگاه ناشنوایان الهام باغچه‌بان شماره‌ی ۱۲ واقع در ناحیه‌ی ۲ شهرری تهران، پیش روی شماست.

■ آموزش و تدریس به دانش‌آموزان ناشنوا به‌صورت کلی چه تفاوت‌هایی با سایر دانش‌آموزان دارد؟

آموزش به دانش‌آموزان ناشنوا تفاوت‌های زیادی با آموزش به بچه‌های عادی دارد.

۱. تعداد باید کمتر باشد؛ حداکثر ۱۲ نفر و حداقل ۵ نفر؛

۲. آموزگار باید رویه‌روی بچه‌ها تدریس کند؛ پشت به دانش‌آموزان، راه رفتن در کلاس یا استفاده از رسانه‌ی صوتی نداریم.

۳. آموزگار در تدریس نمی‌تواند فقط از کتاب

یا آموزش خود استفاده کند. قطعاً باید از وسایل کمک‌آموزشی استفاده شود. آموزش دیداری است و آموزش کلامی ممکن نیست؛

۴. در تمامی تدریس آموزگار به‌صورت شمرده و با حفظ لب‌خوانی دقیق صحبت می‌کند؛

۵. آموزگار در پایه‌های بالا، برای فهماندن مطالب، از زبان اشاره یا فیلم‌های آموزشی استفاده می‌کند و در پایه پایین آموزش از دوسالگی شروع می‌شود؛

کلاس اندرژگاه تا چهارسالگی است. چهار تا شش‌سالگی، آمادگی یک؛ شش تا هفت‌سالگی، آمادگی دو؛ هفت تا هشت‌سالگی، پایه‌ی اول مقدماتی (کتاب اول عادی نصف می‌شود)؛ هشت تا نه‌سالگی، اول تکمیلی؛ نه‌سالگی، سال دوم و به ترتیب سوم و چهارم به بالا.

■ آیا تعداد دانش‌آموزان ناشنوا در یک کلاس محدودیت خاصی دارد؛ مثلاً به خاطر مشکلات آموزشی و سختی‌های کار؟ حداقل و حداکثر چند نفر هستند؟

حداقل ۵ و حداکثر ۱۲ نفرند. زیر ۵ شاگرد باشند، آموزگار دو پایه را تدریس می‌کند؛ متأسفانه، یعنی من الان در پایه‌ی اندرژگاه ۲ دانش‌آموز دارم و در آمادگی ۵ نفر. این‌ها اصلاً هم به هم مربوط نیستند و اختلال زیادی به وجود می‌آید. اما چاره‌ای نیست.

■ آیا دانش‌آموزان ناشنوا در یادگیری مباحث درسی محدودیت دارند؛ مثلاً فارسی را بهتر یاد می‌گیرند، اما ریاضیات و جغرافیا را مثلاً دشوارتر؟ آموزگار باید برای آن‌ها چه کار کند؟

البته. مباحث فارسی، مثلاً شعرهای مولانا و سعدی، برای آن‌ها نامفهوم‌اند، اما چون کتاب‌های آن‌ها با بچه‌های عادی یکی است، قطعاً سواد کمتری دارند. یعنی درس را می‌گذرانند، اما با نمرات متوسط. اما آموزگاران حق حذف مطالب را ندارند و به‌ناچار دست و پاشکسته تدریس می‌کنند.

حتی اجازه‌ی تدریس به زبان اشاره را هم از آموزگاران گرفته بودند. الان بعد از ۲۲ سال اجازه دادند که با اشاره هم تدریس کنند، که آن هم تعداد قابل‌توجهی از آموزگاران آموزش ندیده‌اند.

■ برای کمک به یادگیری بهتر درس‌هایی مثل فارسی چه تدبیرهایی باید بیندیشید؟

راهکار خاصی ندارد. تنها راه کمک ما به بچه‌ها این است که معنی واژه به‌واژه را توضیح دهیم. در بعضی

جاها با ساده‌کردن جمله‌ها به بچه‌ها کمک می‌کنیم. در بین همکاران ما هستند عزیزانی که تمام درس‌ها را ساده کرده‌اند و معنی می‌کنند و در آخر سؤالات را طرح می‌کنند تا بچه‌ها نکته به نکته یاد بگیرند.

■ برای تدریس و آموزش به دانش‌آموزان ناشنوا کدام امکانات کمک‌آموزشی وجود دارند؟

موارد کمک‌آموزشی متنوع‌اند، اما پرکاربردترین‌ها عبارت‌اند از: اسلایدهای نوشتاری، کتاب‌های الکترونیکی، تمرین‌های گفتاردرمانی، و تمرین‌های تربیت‌شنوایی در زمینه‌ی ورزش؛ قطعاً هر رشته‌ای به‌صورت عملی آموزش داده می‌شود و حالت نظری ندارد. در رشته‌ی خیاطی هم آموزگار تمام الگوها را در مدل بزرگ اجرا می‌کند تا آموزش جامع‌تر شود. در پایه‌ی آمادگی تمام درس‌ها را به‌صورت زنده آموزش می‌دهند. مثلاً اگر قرار است موضوع مسجد را آموزش بگیرند، نوآموزان را به مسجد می‌برند. یا مثلاً در درس پلیس، از پلیس دعوت می‌شود به مدرسه بیایند.

■ دانش‌آموزان ناشنوا چه درس‌هایی را بهتر فرا می‌گیرند؟

معمولاً درس‌های عملی را بهتر یاد می‌گیرند؛ درس‌هایی که انتزاعی نباشند. مثلاً برخی مفاهیم غیرانتزاعی ریاضی را بهتر یاد می‌گیرند. اما از آنجا که درصد هوش و شنوایی در یادگیری تأثیر بسزایی دارد، ممکن است این آمار متغیر باشد. بعضی دانش‌آموزان ما مثلاً در ریاضی موفق نیستند، اما قالی‌بافی آن‌ها عالی است و برعکس.

■ در صحبت‌های شفاهی اشاره کردید در مدرسه کلاس‌هایی با عنوان اندرژگاه دارید که فرش شده است و یک‌سری وسایل در آنجا وجود دارد. منظور از این کلاس چیست و چه کاری در آنجا انجام می‌شود؟

این کلاس‌ها ویژه‌ی نوآموزان دو تا چهارسال است. بچه‌ها با اولیا می‌آیند و آموزش می‌گیرند. این آموزش برای آشنایی والدین با سیستم و روش آموزش لازم است. از تیم توان‌بخشی هم بهره می‌گیرند.

در این پایه، بچه‌ها با والدین در کلاس حضور می‌یابند. مادر آموزش می‌گیرد و نوآموز گذاشتن سمعک را تمرین می‌کند. لازم است بدانید، بچه‌ها

■ شما در هر سه مورد لب‌تان یک حالت دارد. ناشنوا از کجا تفاوت را بفهمد؟

اینجا هم از اشاره کمک می‌گیریم. بنابراین، هم در اشاره از لب‌خوانی استفاده می‌شود و هم در آموزش بدون اشاره. پس لزوم و پایه را لب‌خوانی گذاشته‌اند، تا هر جا که صدا جوابگو نبود، لب‌خوانی کمک کند. و هر جا که اشاره به اشتباه می‌اندازد، لب‌خوانی کمک کند. در آخر هم هر جا لب‌خوانی کم آورد، اشاره به آن کمک کند. البته باید گفت، ۲۲ سال بود که اشاره نداشتیم و تنها وسیله‌ی کمک آموزشی لب‌خوانی بود.

■ شما مدرس زبان اشاره در سطح کشوری هستید و به سایر آموزگاران هم درس می‌دهید. درباره‌ی زبان اشاره، کمی به ویژگی‌های آن و تعداد واژگان کلمات زبان اشاره بفرمایید.

زبان اشاره‌ی استاندارد را درس می‌دهیم. در انجمن چهار کتاب تدریس می‌شود، اما ما دو تا جزوه را به آموزگاران درس می‌دهیم؛ حدود ۷۰۰ لغت که در کتاب‌های آن‌ها به کار می‌روند. قطعاً کم است، ولی در کل آموزش اشاره نویاست و هر روز کامل‌تر می‌شود.

نکته‌ی دوم: یک جمله‌ی ۱۰ کلمه‌ای را با ۳ حرکت اشاره می‌کنیم. سرعت ما بالا می‌رود هیچ، بلکه بچه‌ها بهتر هم توجیه می‌شوند. مثلاً جمله‌ی من تو را دوست دارم با یک حرکت اشاره می‌شود. شاید با لب‌خوانی بچه‌ها به‌سختی متوجه شوند، اما اشاره را سریع می‌فهمند. تمام تلاش ما این است که بتوانیم درس‌ها را طوری آموزش دهیم که دانش‌آموز ما مثل بچه‌ی عادی فراگیری خوبی داشته باشد. بنابراین هیچ‌جا خودمان را امجاب به یک کار نمی‌دانیم. از هر روش که باز خورد بگیریم، کمک می‌گیریم.

■ چرا تا این حد روی لب‌خوانی تأکید می‌شود؟

در آموزش ویژه‌ی ناشنوایان دو شیوه موجود است: استفاده از اشاره در کنار لب‌خوانی؛ استفاده از لب‌خوانی در کنار اشاره. حالا داستان چیست؟ در لغت‌نامه‌ی زبان اشاره ممکن است چند کلمه یک اشاره داشته باشد. خوب، بدون لب‌خوانی ناشنوا از کجا بداند ما چه می‌گوییم؟ مثلاً است و هست و باشد یک اشاره‌ی نزدیک به هم دارند. در دومین روش هم، حروفی داریم که لب‌خوانی یکی دارند؛ مثل (س ف ش). جایگاه لب‌خوانی این سه حرف مثل هم است.

با گذاشتن سمعک مشکل زیادی دارند، زیرا با سمعک صداهای اضافی شنیده می‌شوند و این بچه‌ها را اذیت می‌کند. بنابراین وجود اتاق ضد صدا به بچه‌ها کمک می‌کند که تمرکز بیشتری داشته باشند. این کلاس‌ها باید ضد صدا باشند، اما چون هزینه‌ی زیادی می‌طلبد، معمولاً مدرسه‌ها نمی‌توانند کاملاً مجهز شوند.

■ در تدریس تا چه اندازه از لب‌خوانی استفاده می‌شود و در چه مواردی به زبان اشاره متوسل می‌شوید؟

تدریس کاملاً با لب‌خوانی است. اما چون لب‌خوانی بسیاری از حروف شبیه است و استفاده‌ی به‌تنهایی آن، باعث به اشتباه افتادن بچه‌ها می‌شود، از زبان اشاره و قبلاً از نوشتن استفاده می‌شد. لب‌خوانی در پایه‌ی پایین کمک زیادی می‌کند، اما توجه داشته باشید که وقتی مباحث کم است و آموزگار با آرامش درس می‌دهد، لب‌خوانی تأثیرگذار است و شاید کافی، اما وقتی مباحث زیاد می‌شود، لب‌خوانی نه تنها کمک نمی‌کند، بلکه آموزگار را عقب می‌اندازد.

از طرفی گاهی آن‌قدر مطالب از لحاظ معنی جملات سنگین می‌شوند که آموزگار با لب‌خوانی به‌تنهایی نمی‌تواند آن‌ها را توجیه کند.



باشم و این پیشرفت دانش‌آموز سبب شد اسناد دانش‌آموزی که او را کم‌توان ذهنی اعلام کرده بود، او را تنها ناشنوا اعلام کند. هر روز خدا را شکر می‌کنم که توانستم یک برجسب خطا را از روی یک بچه بردارم.

■ منظور از آموزگار رابط چیست؟

گروهی از دانش‌آموزان به دلایل مختلف به مدرسه‌های عادی یا غیردولتی می‌روند. مثلاً به‌خاطر کاشت دستگاه حلزونی شنوایی این خانواده‌ها با حضور بچه در مدرسه‌های باغچه‌بان مشکل دارند. مدرسه‌هایی که این‌گونه دانش‌آموزان را دارند، از اداری استثنایی منطقه درخواست آموزگار رابط می‌کنند. آموزگار رابط در اصل فقط وظیفه دارد به آموزگار مربوطه آموزش دهد تا در آموزش به دانش‌آموز با نیاز ویژه کمک کند. اما معمولاً از این حد فراتر می‌رویم. کنار دانش‌آموز می‌نشینیم و درس‌ها را خط‌به‌خط برایش می‌گوییم.

در سر امتحاناتشان، به‌خصوص دیکته، حاضر می‌شویم تا حقی از آن‌ها ضایع نشود. هستند رابطانی که بدون هیچ توقعی، سر تمامی امتحانات می‌روند و سؤال به سؤال برگه‌ی امتحانی را برای ناشنوا می‌خوانند تا او دچار مشکل نشود.

■ دشوارترین فعالیت آموزشی در حوزه‌ی کار

ناشنوایان چیست؟ کمی توضیح بدهید. به نظر من ادبیات. به خاطر اینکه همه‌ی مطالب ذهنی هستند و مفاهیم انتزاعی ادبی را نمی‌توان به‌راحتی تفهیم کرد. هر لغت کلی معنی دارد. یعنی یک کلمه در چند جمله‌ی متفاوت معنی‌های متفاوت دارد. بنابراین بچه‌ها نمی‌توانند برای هر لغت یک قالب مشخص تعریف کنند و درک مفاهیم برایشان سخت‌تر می‌شود.

■ در هر کاری لذتی نهفته است. در کاری که

شما برای ناشنوایان انجام می‌دهید، چه لذتی وجود دارد؟

قطعاً دیدن دانش‌آموزی که با انجام عمل کاشت حلزونی در گوش، می‌تواند برای اولین بار بشنود و یک کلمه را بر زبان بیاورد، بسیار شیرین و لذت‌بخش است.

از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید متشکریم.



گروه ما متشکل از هشت دختر ناشنوا و کم‌شنواست که با هدف کارآفرینی و فعالیت اجتماعی شکل گرفته است و بچه‌ها در برنامه‌های گوناگون و حتی در حضور مقامات کشور اجرا دارند. در سرود ناشنوایان روال کار چنین است که گروهی از دختران ناشنوا در بالای سن قرار می‌گیرند و در پایین، رهبر گروه می‌ایستد، که قطعاً شنواست. آهنگ در فضای سالن پخش می‌شود و هنگامی که اشعار خوانده می‌شود، رهبر یا به خود کلمه اشاره می‌کند یا معنی آن‌ها را، و تیم در بالای سن، اشارات را به‌صورت هماهنگ تکرار می‌کند. در ناشنوایان، قطعاً با تکرار و تمرین مربی و توضیح معانی ابیات و حس خواننده در حین اجرا، حالت صورت تیم عوض می‌شود. این باعث می‌شود اجرای تأثیرگذارتری داشته باشند.

■ یکی از شیرین‌ترین خاطرات سال‌های کارتان را برایمان بفرمایید.

آموزگار رابط بودم و دانش‌آموزی داشتم به نام علی که ناشنوا بود و اصلاً همکاری نمی‌کرد. این دانش‌آموز با گذشت سه سال، هنوز در پایه‌ی اول بود. با حضور من، او توانست کلاس اول را با کارنامه‌ی عالی تمام کند؛ البته با تشویق مدرسه و پیگیری‌های اولیا. من پنج سال آموزگارش بودم و ایشان تا حدی پیش رفت کرد که جز با من با کسی همکاری نمی‌کرد. به لطف خدا توانستم برایش مفید

■ اوقات فراغت دانش‌آموزان ناشنوا معمولاً چگونه سپری می‌شود؟ مثلاً دانش‌آموز عادی ممکن است از سرود به‌عنوان تفریح یا تماشای فیلم استفاده کند. دانش‌آموزان ناشنوا چگونه اوقات فراغتشان را می‌گذرانند؟

بچه‌های ناشنوا در حوزه‌ی هنر بسیار فوق‌العاده‌اند و در ورزش، تئاتر و بازیگری؛ البته اگر مربی توانمند داشته باشند. البته سلیقه‌ای هم هست. کلاً ناشنواها در زمینه‌ی هنر صاحب مقام هستند. خلقت آن‌ها این‌گونه است که شاید ۵۰ درصدشان در عکاسی یا نقاشی خوب هستند. در قالی‌بافی، گلیم‌بافی، و کارهای دستی مثل مکرومه‌بافی و پولک و منجوق‌کاری و ساخت بدلیجات مهارت دارند. فکر می‌کنم آن‌ها به جزئیات نگاه عمیق‌تر دارند و خلاقیت هنری‌شان ذاتی است.

در مورد ورزش هم باز سلیقه‌ای است. معمولاً بچه‌های ما در دو و میدانی و شنا و مسابقات آمادگی جسمانی صاحب مقام هستند، اما این می‌تواند متغیر باشد. ممکن است آموزگاری بتوانند در رشته‌ی تنیس، آن‌ها را به آن سو سوق بدهد. نمی‌توانم فقط بگویم در این موارد موفق‌اند، اما می‌توانم بگویم بچه‌های ناشنوا در مسابقات انفرادی موفقیت‌هایشان به‌نسبت بیشتر بوده است.

■ شنیده‌ایم شما یک گروه سرود و گروه هنرمند تربیت کرده‌اید و از این گروه برایمان بیشتر بفرمایید که متشکل از چه نوع دانش‌آموزانی است و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟